

شریک کنیم. بچه‌هایمان را جایزه بدهیم و تشویق کنیم اذان بگویند.

۲۰- قبولی نماز اعضای خانواده

نماز و عبادات چهار مرحله دارد:

مرحله اول، تکلیف.

مرحله دوم، صحت.

مرحله سوم، قبولی.

مرحله چهارم، کمال.

و هر یک از این مراحل، شرایطی دارد.

مثلاً شرایط تکلیف این است: باید بالغ باشد، عاقل باشد، قادر باشد.

شرایط صحت: باید از مرجع و عالم دینی تقلید کنیم، بدون تقلید، کارهای ما مشکل پیدا می‌کند. باید اذکار را درست ادا کنیم. باید کارها را درست انجام بدهیم. باید بر اساس فتوای مرجع تقلید انجام شود تا صحیح باشد.

شرایط قبولی: اسلام شرایط زیادی را برای قبولی گذاشته است؛ شرطهای عقیدتی، اخلاقی، اجتماعی، خانوادگی و غیر آن. درحقیقت اسلام قبولی نماز و عبادت را به همه زوایای زندگی گره زده است. امام علی ع می‌فرماید: «**كُونُوا عَلَى قَبُولِ الْعَمَلِ اشَدَّ عِنَايَةً مِنْكُمْ عَلَى الْعَمَلِ**»^۱ به قبولی عمل، بیش از اصل عمل توجه داشته باشید.

انسان ممکن است برای پذیرش در جایی، هم کارت ورود بگیرد، هم طبق مقررات ظاهری عمل کند، ولی در زمان مصاحبه، به دلایلی مانند

فساد اخلاق یا سوء سابقه رد شود. عبادات هم ممکن است از نظر مقررات الهی، درست انجام گیرد، ولی به دلایلی مورد قبول خدا نشود.

مثلاً زن و شوهر اگر می‌خواهند نمازشان قبول باشد باید از هم راضی باشند. در حدیث آمده است: اگر زنی تمام عمرش روزه بگیرد و همیشه نماز بخواند و هر ساله به حج خانه خدا برود و اموال زیادی را در راه خدا انفاق کند، اما شوهرش را آزرده و از او راضی نباشد، نمازها و عبادت‌های او قبول نیست و اگر مردی هر ساله به حج خانه خدا برود و هر روز روزه بگیرد، همیشه نماز بخواند و به جهاد راه خدا برود، اما همسرش را آزرده کند و از او راضی نباشد، نه نماز و نه دیگر کارهای خوب او قبول نیست.

«لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ صَلَاتَهَا وَلَا حَسَنَةً مِنْ عَمَلِهَا»^۱

در حدیث دیگری می‌خوانیم: فرزندان اگر از روی ظلم و با خشم و غضب به پدر و مادر نگاه بکنند، نمازشان قبول نیست. «مَنْ نَظَرَ إِلَى أَبِيهِ نَظْرَ

مَا قَتٍ وَهُمَا ظَالِمَانِ لَهُ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ صَلَاةً»^۲.

ما احتیاج داریم به قبولی نماز و عبادت‌مان، بیاییم تصمیم بگیریم اخلاق خود را در خانه عوض کنیم. اخلاق خوش و محمدی داشته باشیم به قصد اینکه خدا نماز ما را قبول کند. زن و شوهر به هم مهربانی کنند، بچه‌ها با پدر و مادر با احترام و محبت رفتار کنند. والدین در مورد تربیت بچه‌ها کوتاهی نکنند. قبولی و پذیرش عمل، خیلی موضوع مهمی است. نکند روز قیامت بگویند: نماز خواندی و نمازت هم درست بود، اما درجه و جایزه‌ای به تو نمی‌دهند و مورد قبول واقع نشده است. مثل اینکه اگر

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۶.

۲. کافی، ج ۲، ص ۳۹۴.

کسی غیبت کسی را نکند، تا چهل روز نمازش قبول نیست.

رسول خدا ﷺ منقول است که فرمود: «مَنْ اغْتَابَ مُسْلِمًا أَوْ مُسْلِمَةً لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ تَعَالَى صَلَاتَهُ وَلَا صِيَامَهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا وَ لَيْلَةً إِلَّا أَنْ يَغْفِرَ لَهُ صَاحِبُهُ»،^۱ کسی که غیبت مرد یا زن مسلمانی را بنماید تا چهل روز نماز و روزه او مورد قبول حضرت حق قرار نمی‌گیرد، مگر آنکه آن شخص از او درگذرد. نه اینکه نماز نخوانده باشد! بلکه نماز خوانده ولی قبول نشده است باید مراقب باشیم تا غیبت نکنیم و آبروی دیگران را حفظ کنیم تا قبولی نماز ما آسیب نبیند

یا در مسائل سیاسی اگر کسی به امام اعتقاد نداشته باشد، به پیشوایی که از جانب خدا معرفی شده اعتقاد نداشته باشد، نماز و عبادتش قبول نیست. داشتن ولایت اهل بیت: و برائت و بیزاری از دشمنان آنان: در روایتی وقتی از حضرت سجاد ع درباره سبب قبول نماز پرسیده شد، حضرت فرمود: «وَلَا يَتَنَا وَالْبِرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِنَا»؛^۲ ولایت ما و بیزاری از دشمنان ما، عامل قبول نماز است.

زن و شوهرها به هم عشق بورزند به نیت قبولی نماز، به نیت جلب رضایت خدا بچه‌ها و والدین به هم عشق بورزند و از والدین اطاعت کنند، برای قبولی نماز و عباداتشان.

۲۱- تخفیف در انجام نماز برای بچه‌ها

آیه‌ای در قرآن هست که شاید همه ما آن را حفظ باشیم، آیه: «لَا يُكْفَى

۱. جامع‌الاکابر، ص ۱۷۱.

۲. بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۱۹۸.

اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا،^۱ خداوند به هرکسی به اندازه توانش تکلیف می‌دهد و مسئولیت می‌خواهد.

گاهی خانواده‌ها می‌گویند: بچه اول و دوم ما خیلی راحت نماز می‌خواندند، این بچه سومی چقدر اذیت می‌کند و مرتب نماز نمی‌خواند. استاد بنده حاج آقای قرائتی بچه‌ها را تشبیه می‌کند به میوه‌ها، می‌فرمایند: بچه‌ها مثل میوه‌ها هستند: بعضی توتی، بعضی اناری، بعضی گردویی و بعضی نارگیلی هستند. میوه توت هسته و پوسته ندارد، اول تابستان می‌رسد، خیلی راحت می‌ریزد، چیدنش خیلی آسان است و مزه‌اش شیرین شیرین است. میوه دیگر انار است که پایان تابستان می‌رسد و چیدنش مقداری مشکل است. پوست دارد، شیرین شیرین نیست و شیرین و ترش دارد. انار هم برای خداست. توت هم برای خداست. میوه سوم گردو است که در پاییز می‌رسد و چیدن آن سخت است و کار هرکسی نیست. به گونه‌ای که برخی برای بالارفتن از درخت و چیدن گردو دچار آسیب می‌شوند. آنهایی که می‌خواهند گردو بچینند، یک چوب بلندی دارند و تلاش می‌کنند تا تک تک گردوها را بچینند و با زحمت به نتیجه می‌رسند. چون گاهی گردوی سبز پشت برگهای سبز پنهان است. میوه دیگر نارگیل است، کندنش خیلی سخت‌تر از گردو است. چند پوسته دارد مثل فولاد، ولی قلب شیرینی دارد و شیرهی نابی دارد.

بچه‌ها را باید اینطور نگاه کنیم. خداوند مثل گله‌ها و میوه‌ها بچه‌ها را متنوع آفریده است، ظرفیت‌های آنها با هم فرق می‌کند و استعدادهایشان

متفاوت است. باید با هر کدام متناسب با توانشان برخورد کرد. امامان ما به ما یاد دادند، به بچه‌هایی که توان کمتر دارند، تخفیف بدهیم.

در اسلام آمده که مستحب است نماز ظهر و عصر و نماز مغرب و عشاء را با فاصله بخوانید. ولی پیغمبر عزیز اسلام ﷺ اجازه داده‌اند که در سفر و غیر سفر نمازهای ظهر و عصر و مغرب و عشاء را با بدون فاصله و با هم بخوانید به عنوان یک تخفیف^۱.

امام زین العابدین علیه السلام درباره نماز بچه‌ها می‌فرمودند: بگذارید نماز ظهر و عصر و نماز مغرب و عشاء را با هم بخوانند. بهتر از این است که با فاصله نماز بعدی آنها ترک و قضا شود.

تخفیف در انجام نماز می‌تواند ما را در جذب بچه‌ها کمک کند، اگر نماز را طول ندهیم، بچه‌های بیشتری می‌آیند، این کار را بکنیم. گاهی خانواده‌ها می‌گویند: بچه من نسبت به نماز صبح خیلی سخت است. من می‌گویم: کاری نکنید که همان چند تا نماز دیگر را هم نخواند. ما با تخفیف و ارفاق باید کاری کنیم بنیانی که برای این بچه طراحی شده کمال پیدا کند.

گاهی ما توقع نادرستی داریم که کودکان علاوه بر نماز واجب، همه مستحبات را انجام بدهند! یک نماز واجب سه چهار دقیقه طول می‌کشد، آسان بگیریم. اسلام دین شیرین و آسانی است. اگر بتوانیم شیرینی عبادت را به بچه‌ها بچشانیم، آنها بطور خودکار علاقمند خواهند شد.

نوجوانی به رسول خدا ﷺ گفت: یا رسول الله، من از پنج نماز یک نماز را

می خوانم. پیغمبر فرمود: عزیزم همان یک نماز را بخوان. بعد از دو ماه دیدند همه نمازها را می خواند. تخفیف و آسان گیری برای کودکان، یکی از راه‌هایی است که رهبران ما به ما یاد داده‌اند.

خانم مصطفوی دختر امام خمینی رحمته‌الله علیه تعریف کردند که همسرم بر بچه‌ها نماز را در کودکی سخت می‌گرفت. هنگامی که حضرت امام از این موضع مطلع شدند به دامادشان پیغام دادند که اسلام شیرین را در کام بچه تلخ نکن. همین اندازه که این پیغام به فرزندم رسید، شادمان شد و پس از آن به من و پدرش گفت: من از شما می‌خواهم که برای نماز صبح مرا صدا بزنید تا خواب نمازم.

۲۲- پدر و پسر در خدمت نماز

از چیزهایی که اسلام خیلی می‌پسندد، تعاون و همکاری است. این آیه را بسیاری از ما حفظ هستیم: «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى»^۱، در خوبی‌ها و پاکی‌ها با یکدیگر همکاری کنید.

یکی از بهترین نمونه همکاری‌ها، همکاری اعضای خانواده است. ما در ابواب فقهی و حدیثی سرفصلی داریم تحت عنوان کمک پدر و مادر به بچه‌ها، در خوبی‌ها، در عبادت‌ها و در خیرات.

پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله فرمود: اگر پدر و مادر به بچه‌ها در خوبی‌ها کمک کنند، خداوند آنها را می‌آمزد و به آنها پاداش می‌دهد. پرسیدند: یا رسول الله، آن چه نوع کمکی است؟ حضرت فرمودند: کار کم آنها را قبول کنند و از اشتباهات آنها صرف نظر کنند و چیزی را به آنها تحمیل و اجبار نکنند.

«يَقْبَلُ مَيْسُورَهُ وَيَتَجَاوَزُ عَنْ مَعْسُورِهِ وَلَا يُرْهَقُهُ وَلَا يَحْتَرِّقُ بِهِ»^۱.

در سوره مبارکه بقره، گزارش همکاری یک پدر و پسر نازنین آمده است. قرآن می‌فرماید: اولین خانه‌ای که ساخته شد، کعبه بود.^۲ گفته‌اند: آدم ابوالبشر بانی کعبه است، اما سالیانی گذشت و این خانه خراب شد و حضرت ابراهیم علیه السلام از طرف خدا مأمور شد خانه کعبه را بازسازی کند. قرآن می‌فرماید: «وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ»^۳، این مأموریت را یک پدر و پسر با هم به انجام رساندند؛ پدری نود ساله همراه پسر نوجوانش.

این ماجرا بیانگر آن است که در خانه باید بین اعضای خانواده، مادرها و دخترها، پدرها و پسرها، همکاری باشد، خداوند اصرار دارد در این ماجرا، اسم پدر و پسر را کنار هم بیاورد. در همین سوره می‌فرماید: ما قرار گذاشتیم با ابراهیم و اسماعیل که این خانه را برای طواف کنندگان، اعتکاف کنندگان، رکوع کنندگان و سجده کنندگان (نمازگزاران) پاکیزه کنند. «وَعَهَدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ»^۴.

الآن در مساجد ما باباها حضور دارند، اما پسرها نه. مادرها حضور دارند، اما دخترها نه. این یک نقص است و باید این ارزشها را زنده کرده و به نسلهای بعد منتقل کنیم. ما باید طوری برنامه‌ریزی کنیم که هفته یکبار هم که شده، دست در دست فرزندانمان به مسجد برویم. حتی اگر

۱. کافی، ج ۶، ص ۵۰.

۲. آل عمران، ۹۶.

۳. بقره، ۱۲۷.

۴. بقره، ۱۲۵.

می خواهیم خدمتی در مسجد بکنیم؛ مثلاً بعضی چراغ‌های خراب مسجد را ترمیم کنیم، با کمک فرزندان این کار را انجام دهیم. اگر در هیأت امنای مسجد حضور داریم، با کمک و همکاری فرزندان باشد. در بخش بانوان مادرهایی که برای نظافت و آراستگی مسجد و برای مهیا کردن اقلام فرهنگی، خدمت می‌کنند، دخترها را در کارها شریک کنند.

قرآن کریم در سوره آل عمران قصه‌ی مادر بارداری را بیان می‌کند که بچه‌اش در شکمش بود و هنوز به دنیا نیامده بود، نذر کرد: خدایا نذر می‌کنم این بچه (برای خدمت به مسجد و بیت المقدس) آزاد باشد، از من قبول کن و بپذیر. «رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي»^۱.

این پیام‌های قرآنی است لزوم به همکاری اعضای خانواده، مادرها و دخترها و پدرها و پسرها و همه اعضای خانواده مسجدهای ما باید پر باشد از پسرهایی که کنار پدر نشسته‌اند و دخترهایی که کنار مادر نشسته‌اند. الان چند سال است رهبر بزرگوار انقلاب پیام می‌دهند این انقلاب باید به دست جوان‌ها بیافتد، خوب چطور باید این اتفاق بیافتد؟ پدرها باید این امانت را به پسرها بسپارند و مادرها باید این سبک زندگی را به دخترها منتقل کنند. بیائیم این همکاری خانوادگی را که مصداقی بلند از آیه «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» هست را تحقق ببخشیم.

۲۳- سفارش به نماز پیامبری در گهواره

قرآن، کتاب آسمانی، برنامه زندگی و راه خوشبختی و راه نجات ماست. خداوند در این کتاب بیش از دویست قصه آورده است. قصه قالبی جذاب

برای همه سنین و همه سلیقه‌ها می‌باشد.

یکی از قصه‌های شیرین قرآن، قصه نوزادی است که در گهواره سخن گفته است. مادرش مریم، به اذن پروردگار، بدون شوهر بچه دار شد. قرآن می‌فرماید: تعجب می‌کنید، اگر می‌خواهید تعجب کنید، از آفرینش حضرت آدم تعجب کنید که نه پدر داشت و نه مادر و خداوند او را از گل آفرید.

وقتی حضرت مریم، فرزندش عیسی را به دنیا آورد، مردم می‌آمدند و می‌گفتند: ای مریم، این بچه از کجا آمده است؟ تو از خانواده پاکیزه‌ای بودی، پدر و مادر و خانواده‌ات از هر گناهی پاک بودند! مریم نمی‌دانست در این ماجرا چه کار کند. از جانب خداوند به او الهام شد که در پاسخ آنان، به گهواره اشاره کن. مریم پارسا به مردم فرمود: از خود بچه پیرسید. مردم گفتند: «كَيْفَ نَكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا»^۱، چطور حرف بزیم با نوزادی که در گهواره است؟ یک وقت دیدند بچه به اذن پروردگار به زبان آمد. اول خودش را معرفی کرد: «قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا»^۲، من بنده خدا هستم. خداوند به من کتاب داده و مرا پیامبر قرار داده است. «وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا»^۳ و تا بین شما هستم و تا عمر دارم و زنده هستم، من را به نماز و زکات سفارش کرده است.

از این معلوم می‌شود که نماز از ارکان کار پیامبران بوده است، نه یک مسأله‌ی حاشیه‌ای، جنبی و خرد. یک مسأله‌ی کلانی که در کار انبیا جریان داشته است. خداوند به من مأموریت داده به برپایی نماز و

۱. مریم، ۲۹.

۲. مریم، ۳۰.

۳. مریم، ۳۱.

رسیدگی به محرومان یعنی زکات تا زمانی که بین شما هستم. همچنین سفارش به نماز باید استمرار داشته باشد. من خسته شدم، حرف من تأثیر ندارد، فایده ندارد. اینکه شرایط فرهنگی جهان تغییر کرده، اینترنت، ماهواره، عکس، فیلم نمی‌گذارد، بهانه است. از طرف خداوند به انسان یک توانایی‌هایی داده شده که می‌تواند در سخت‌ترین شرایط به اهداف درست خود برسد. به دلیل اینکه مخاطب‌های ما فطرت پاک و توحیدی دارند، حرف‌های ما در آنها تأثیر می‌گذارد. نوزادی در گهواره به سخن آمده، به اذن پروردگار، حرفش چیست؟ من تا زنده هستم، به نماز سفارش شده و به شما سفارش خواهم کرد. آری، انسان بدون معنویت و بدون رابطه با خدا و رابطه با محرومان، به جایی نمی‌رسد. از این دو عامل یعنی نماز و زکات غافل نشویم. از وقتی بچه‌ها به دنیا می‌آیند تا از این دنیا می‌روند، باید موضوع نماز را با آنها مرور کنیم.

۲۴- تحمل مشکلات خانواده برای اقامه نماز

خداوند در قرآن برای بندگان بیش از دویست قصه تعریف کرده و فرموده است: «نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ». ^۱ ما بهترین داستان را برای تو حکایت می‌کنیم، ما قصه‌گو هستیم. قصه در دل آدم‌ها تأثیر می‌گذارد. قصه ساختاری دارد که همه به هم منتقل می‌کنند و برای هم تعریف می‌کنند. از تلویزیون بیشترین چیزی که مردم می‌بینند، سریال‌ها است و مبنای سریال‌ها، قصه‌ها هستند. چقدر خوب است مادرها و پدرها

قصه‌های کتاب خدا را حفظ کنند و برای بچه‌هایشان تعریف کنند. یکی از این قصه‌ها، قصه‌ی حضرت ابراهیم علیه السلام است.

محل زندگی حضرت ابراهیم علیه السلام در عراق امروز بود. در آنجا با بانویی به نام ساره ازدواج کرد. بانویی ثروتمند که همه دارایی‌اش را برای تبلیغ دین تقدیم حضرت ابراهیم علیه السلام کرد. پس از مدتی خداوند به آنان مأموریت داد که به فلسطین بروند. حضرت ساره چون بچه‌دار نمی‌شد، یک بانوی دیگری را به همسرش پیشنهاد داد به نام هاجر. حالا در خوش آب و هواترین جای کره زمین یعنی فلسطین زندگی می‌کنند. کنار دریای مدیترانه، چهار فصل، میوه‌های به روز، یک زندگی فوق العاده در آسایش. ابراهیم علیه السلام از هاجر بچه‌دار شد و صاحب فرزندی به نام اسماعیل شد. از جانب خداوند دستور آمد: ای ابراهیم با همسرت هاجر و پسرت اسماعیل به سمت حجاز، بد آب و هواترین جای زمین برو. آنجا که نه آبی دارد، نه درختی و نه محلی برای سکونت.

خیلی سخت است که در یک جایی، در یک منطقه سرسبز و حاصلخیزی، کار و فعالیت می‌کند و آسایش دارد، حالا ورقه‌ای دستش برسد که باید به سرزمینی برود که آبش تلخ، هوایش گرم و هیچ امکانات رفاهی ندارد.

اما حضرت ابراهیم آن پیامبر بزرگ خدا، تسلیم است. آن حضرت به همراه هاجر و فرزندش اسماعیل از آنجا به سمت حجاز حرکت کردند. هنگامی که به سرزمین سوزان مکه رسید، دست به دعا برداشت و این چنین دعا کرد: «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا

الصَّلَاةُ، پروردگارا! من فرزندم را در سرزمین بی آب و علفی، در کنار خانه‌ای که حرم توست، ساکن ساختم تا نماز را برپا دارند. خدایا من خانواده‌ام را به اینجا آوردم و اکنون که به من مأموریت دادی که برای تبلیغ دین تو به عراق بروم، این خانواده‌ام را به سختی اینجا می گذارم و می روم. **رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ** پروردگارا، نیت من این است که نماز برپا شود و جمعیت‌هایی در پیشگاه تو به سر به سجده بسایند. این نشان می دهد که به سختی افتادن خانواده‌ها برای اقامه نماز ملت‌ها ارزش است.

اگر ما مهاجرت کنیم و در منطقه‌ای مسجدی بسازیم و یا اگر مسجدی هست، مسجد را آباد کنیم، تا خداپرستان گردهم آیند و او را پرستش کنند، این کاری ابراهیمی است. اگر مرد خانه، بانوی خانه، بچه‌های خانه، همه به تکاپو بیافتیم و یک مسجدی را از غربت در بیاوریم، این کار ابراهیمی است. مناطق محروم در ایران الی ماشاءالله زیاد است؛ روستاها و شهرهایی داریم، یا مسجد ندارد یا مسجد دارد و امام جماعت ندارد، نمازجماعت ندارد. آباد کردن مساجد به نیت رونق نماز یک کار ابراهیمی است.

حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام این کار را به تنهایی نکرد و با کمک خانواده‌اش این کار را انجام داد، فرزندانش را به سختی انداخت و همسرش را به سختی انداخت، برای یک ارزش والا و آن اقامه نماز است. خدایا ما جای خوب و خوش آب و هوایی زندگی می کردیم، ولی از بس این موضوع نماز اهمیت دارد، با رغبت و طیب خاطر حاضر شدیم در این سرزمین بد آب و هوا

زندگی کنیم تا نماز برپا شود.

بیاییم ما هم پا جای پای حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام بگذاریم و برای برپایی نماز، یک تلاش و ایثاری بکنیم.

۲۵- حضور آراسته و نظیف در مسجد

یکی از اسامی خداوند متعال، طاهر یعنی پاکیزه است. در دعای جوشن کبیر می‌خوانیم: «**يَا أَطْهَرَ الظَّاهِرِينَ**»، ای پاکیزه‌ترین پاکان. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «**النَّظَافَةُ مِنَ الْإِيمَانِ**»^۱، پاکیزگی از ایمان است. همچنین فرمود: «**لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا النَّظِيفُ**»^۲، وارد بهشت نمی‌شود، مگر کسی که تمیز و پاکیزه باشد.

مسجد محل اجتماع مسلمانان باید خیلی تمیز و آراسته باشد. به قول استاد عزیزم حاج آقای قرائتی، چرا بچه‌ها اینقدر عروسی را دوست دارند؟ چون در عروسی همه با لباس‌های قشنگ و لب‌های خندان می‌آیند و شیرینی پخش می‌کنند. مسجد باید این جاذبه را داشته باشد. قرآن می‌فرماید: «**حُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ**»^۳.

به هر مسجدی که قدم می‌گذارید، با پاکیزگی و آراستگی و بوی خوش وارد شوید. امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام به مسجدی وارد شدند، دیدند یک نفر نماز می‌خواند و بوی عرق از لباس‌هایش می‌آید، اینطور نقل شده که فرمودند: تو به جای اینکه جاذبه ایجاد کنی و نمازخوان‌ها را زیاد کنی، دافعه ایجاد می‌کنی. فرش‌های مسجد، لباس‌های نمازگزاران، جا کفشی، محراب و دیوارها و

۱. بحار الانوار، ج ۵۹، ص ۱۹۱.

۲. نهج الفصاحه، ص ۲۷۶، ح ۱۱۲.

۳. اعراف، ۳۱.

حیاط مسجد همه باید تمیز و جذّاب باشد.

در بعضی کشورها مساجدشان فضای سبز دارد، باغچه‌ای مرتب با حوض آبی در وسط، با آبی تمیز. در بعضی از مساجد آکواریوم‌های بزرگ در مساجدشان می‌گذارند که وقتی بچه‌ها وارد می‌شوند، ساعت‌ها می‌ایستند و ماهی‌های آن را تماشا می‌کنند. آری مسجد باید جاذبه‌ی بصری داشته باشد.

با هر لباسی به مسجد وارد نشویم. امام حسن مجتبی علیه السلام وقتی برای نماز برمی‌خاست بهترین لباس خود را می‌پوشید. شخصی پرسید: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله چرا بهترین لباس خود را پوشیده‌اید؟ امام فرمود: «**إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ فَأَتَّجَمَلُ لِرَبِّي**»، خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد. آنگاه این آیه را تلاوت فرمود: «**خذوا زینتکم عند کل مسجد**» و ادامه دادند: و من برای پروردگارم با بهترین لباسم خود را آراسته‌ام.^۱

در فرهنگ ما، خانم‌های یک لباس‌هایی دارند که فقط در عروسی‌های می‌پوشند. چه خوب است لباس‌هایی داشته باشیم مخصوص نماز و مسجد. هنگامی که می‌خواهیم به مسجد برویم، لباس‌هایمان را تعویض کنیم. حتماً از بوی خوش استفاده کنیم و برای مسجد عطری داشته باشیم.

صدها حدیث به ما رسیده که پاداش تمیز کردن مسجد، روشن کردن مسجد، آراسته کردن مسجد، خوشبو کردن مسجد، مخصوصاً روزهای پنجشنبه و جمعه، چه پاداش‌هایی دارد. پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس مسجد را خوشبو کند. الآن وسایلی ساخته شده که به طور اتوماتیک مسجدها را خوشبو می‌کند، اهمیت بدهیم. خانواده‌ها مثل همین

گروه‌های جهادی که رهبر فرزانه انقلاب مباهات می‌کند به گروه‌های جهادی، در هر محلی مسجدها را مرتب و تمیز نگه داریم. اینقدر تمیز نگه داشتن مسجد مهم است که خداوند به دو پیغمبر برای نظافت مسجد مأموریت داده است. «وَعَهْدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ»^۱، ما که خدا هستیم، قرار گذاشتیم با ابراهیم و پسرش اسماعیل که مسجد را برای طواف کنندگان و اعتکاف کنندگان، رکوع کنندگان و برای سجده کنندگان (نمازگزاران)، تمیز و پاکیزه کنند.

به قول حاج آقای قرائتی مردم دست و پا می‌شکنند تا خادم حرم امام رضا علیه السلام شوند، مسجد خانه خداست، همه باید برای خدمت به مسجد مسابقه بگذاریم. بیائیم خادم افتخاری مسجدی شویم، بچه‌هایمان را در نظافت و آراستگی مسجد شریک کنیم. در روشنایی مسجد و در سرمایش و گرمایش آن، یک فضای فوق العاده جذاب و مرغوب و رغبت انگیز که وقتی جوان ما وارد می‌شود لذت ببرد و کیف کند و نخواهد از مسجد بیرون برود. بچه‌های ما احساس کنند مسجدی‌ها همه تمیز و آراسته هستند، موهای شانه زده و دندان‌های صدفی و لباس‌های تر و تمیز و خوشرنگ. پس برای نماز و مسجد، بهترین و مرتب‌ترین لباس‌هایمان را بپوشیم.

در روایت می‌خوانیم: خوردن سیر هفتاد خاصیت دارد. اما اگر به مسجد می‌روید، سیر نخورید تا با بوی آن دیگران را آزار ندهید.

اسلام این آداب را به ما آموزش داده است.

۲۶- تمرین نماز قضا

شخصیت انسان از کوچکی با تکرار و تمرین شکل می‌گیرد. بچه‌ها نگاه می‌کنند به بزرگترها و همان کارهای آنها را تکرار می‌کنند و آرام آرام قوه عاقله آنها قوت پیدا می‌کند، به کارهایی که عادت کردند، فکر می‌کنند و با فکر و آگاهی ادامه می‌دهند. این ما هستیم که باید با تمرین عبادت، عبادت را در بچه‌ها نهادینه کنیم. بچه‌های ما، دختران از نه سالگی و پسران از چهارده پانزده سالگی به تکلیف می‌رسند، ولی امامان ما فرمودند: از پنج شش سالگی آنها را تمرین بدهید.

تمرین روزه‌داری، همین روزه‌ای که بچه‌ها روزه کله گنجشکی می‌گیرند. یک روز سحری میل می‌کنند تا ساعت نه صبح، افطار می‌کنند و دوباره نیت روزه می‌کنند و یک روزه سه ساعته می‌گیرند. این تمرین روزه‌داری است و در حدیث آمده است: تمرین نماز خواندن و تمرین روزه‌داری را سبک زندگی خود قرار دهید.

ما بزرگترها اگر به دلایلی نمازمان ترک شد و قضا شد، باید قضای آن نماز را به جا بیاوریم و اگر در بستر بیماری سخت قرار گرفتیم، وصیت کنیم برای من نماز قضا به جا بیاورند و اینها کوتاهی‌ها و کم کاری‌های من نسبت به خداست. اینها حق‌هایی است که خدا به گردن من داشته است.

جالب این که در فقه ما سفارش شده حتی همین نماز قضا را به بچه‌ها تمرین بدهیم. این بچه نماز صبح نخوانده است، الآن ساعت ده است. بگوییم: عزیزم، مریم خانم، آقا مجید، وضو بگیر و الآن نماز صبح خود را

قضا کن. آیا واجب است این بچه نماز بخواند؟ نه. آیا واجب است قضای نماز را به جا آورد؟ نه. ولی امام معصوم رهنمود داده که بچه‌هایتان را تمرین بدهید به نماز خواندن و اگر بعضی نمازهایشان ترک شد، آنها را به خواندن قضای نمازهای ترک شده، تمرین بدهید.

کتابی است به نام «نقش نماز در بهره‌وری» نویسنده این کتاب پنجاه نکته در مورد نماز و بهره‌وری آورده است. یکی همین جبران و قضای کارهایی است که انجام نداده‌ایم و یا با کیفیت انجام نداده‌ایم. مثلاً کارگری در ایران خودرو بوده در سال گذشته سه روز کار نکرده و یا حضور داشته، ولی کیفی ارائه نداده، این روزها را قضا کند. ما در مکتب نماز این درس را می‌آموزیم.

حضرت امام خمینی رضی‌الله‌عنه که رضوان خدا بر آن مصلح بزرگ باشد، فرمودند: نماز کارخانه‌ی انسان‌سازی است و با الهام از نماز، باقی زندگی را شکل می‌دهیم.

در اذان می‌گوییم: «**حی علی خیر العمل**»، یعنی بشتابید به سوی مدل کارها، بهترین کار نماز است. از این مدل استفاده می‌کنیم و به بقیه کارهایمان هم سرایت می‌دهیم. در نماز می‌گوید: اگر نماز ترک شد، قضا کن. معنایش این است که یک کارگر کارخانه و یک کارمند اداره اگر در کارش کم‌کاری داشته، یا درست کار نکرده است، روزهای بعد جبران کند یا حتی اگر بازنشست شده، بنویسد من اینقدر به این کارخانه یا اداره بدهکار هستم. این را مکتب نماز به ما یاد می‌دهد.

کوتاهی‌هایمان را قضا کنیم و جبران کنیم و به بچه‌ها و کودکانمان هم

این را یاد بدهیم. عزیزم، دخترم، پسر، این کوتاهی که کردی را جبران کن، قضا کن.

تمرین نماز قضا در فقه ما آمده و این باید جزو سبک زندگی ما باشد تا بچه‌ها وقتی بزرگ شدند، در هر زمینه‌ای کوتاهی دارند، جبران کنند و بگویند: این حقی است به گردن ما یا از طرف خدا یا از طرف خلق خدا، تا زنده هستیم باید جبران کنیم، اگر هم توان نداریم باید وصیت کنیم. در رساله توضیح المسائل مسئله ۱۳۸۹ می‌خوانیم: مستحب است بچه ممیز یعنی بچه‌ای که خوب و بد را می‌فهمد به نماز خواندن و عبادت‌های دیگر عادت دهند بلکه مستحب است او را به قضای نمازها هم وادار نمایند.

۲۷- میانه‌روی در عبادت

تنها دعای واجبی که همه‌ی مسلمانان در هر شبانه‌روز ده بار تکرار می‌کنند، این دعا است: «**اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ**»، پروردگارا، ما را به راه مستقیم راهنمایی بفرما.

راه مستقیم چه راهی است؟ معناهایی برایش گفته‌اند، یکی راه معتدل و میانه است. امیرمؤمنان علی علیه السلام در نامه‌ایی به فرزندش فرمود: پسر، در زندگی و در عبادت خود میانه‌رو باش. «**وَأَقْتَصِدْ يَا بُنَيَّ فِي مَعِيشَتِكَ وَ**
اِقْتَصِدْ فِي عِبَادَتِكَ». ^۱ فرزندم در زندگی میانه‌رو باش، در عبادت میانه‌رو باش، نه اهل افراط و تفریط.

در جامعه می‌بینیم کسانی که ورزش می‌کنند و درس نمی‌خوانند، یا

درس می‌خوانند، ولی ورزش نمی‌کنند. ساعت‌ها فیلم می‌بینند، اما نماز نمی‌خواند. ساعت‌ها نماز می‌خواند، ولی به ورزش اهمیت نمی‌دهد. ما مجموعه‌ای از نیازها را داریم؛ ما جسم و روح داریم؛ برای جسم، تغذیه و ورزش و برای روح، دعا و نیایش لازم است. ما قلب و عقل داریم. برای عواطف خود و برای اندیشه‌مان باید برنامه‌ریزی کنیم. ما فرد و جامعه داریم، بخشی از انرژی را برای خودم و بخشی را برای جامعه بگذارم. ما هم دنیا داریم هم آخرت؛ باید بخشی از دارایی‌ها را باید برای دنیا بگذاریم و بخشی از آن را برای آخرت. این زندگی میانه است. چنانکه در قنوت نماز چنین می‌خوانیم: «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً»^۱ پروردگارا به ما هم در دنیا و هم در آخرت بهره نیکو عطا فرما، هم سیاست، هم اقتصاد. هم تعلیم و هم تربیت.

باید در حوزه‌های مختلف به اندازه‌ی لازم ورود پیدا کنیم، نه افراط و نه تفریط داشت باشیم. امام باقر علیه السلام فرمود: من در نوجوانی زیاد عبادت می‌کردم. پدرم به من فرمود: افراط نکن. خداوند همین عبادت تو را قبول کند، کافی است.

افرادی را دیدیم که در نوجوانی در عبادت افراط کردند و بعد کلاً همه عبادت‌ها را ترک کردند. افراط‌ها در بسیاری از موارد با تفریط روبرو می‌شود. بچه باید بازی کند. این همه حدیث داریم که بچه‌ها را به حال خود رها کنید بازی کنند. «دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبْ سَمِعَ سِنِينَ»^۲ فرزندت را رها کن تا هفت سال بازی کند.

۱. بقره، ۲۰۱.

۲. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۹۵.

افراط در عبادت، در حفظ قرآن و حدیث ما را با واکنش عکس روبرو خواهد کرد. همین اندازه که اعضای خانواده به مسجد می‌روند و با همدیگر یک نماز جماعت معقول و مختصری می‌خوانند، مناسب است. اما اگر بچه‌ها بخواهند در همه عبادت‌ها و دعاها حاضر شوند، ممکن است سرخورده شوند.

مادری پرسید: پسر هشت ساله‌ای دارم، به نظر شما او را دعای ندبه ببرم؟ (دعای ندبه یک دعای طولانی است). به او گفتم: پیشنهاد می‌کنم ده دقیقه آخر دعای ندبه بچه‌ات را ببر. این بچه وقتی وارد مجلس می‌شود و چند دقیقه فرازهای پایانی دعای ندبه را می‌شنود که: «**واجعل صلاتنا به مقبولة**» خدایا به آبروی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، نماز ما را قبول کن. «**وذنوبنا به مغفورة**» به آبروی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، گناهان ما را بریز. و آرام آرام دعای ندبه تمام می‌شود و پس از آن سفره‌ی عدسی و نان و پنیر پهن می‌شود، بچه می‌گوید: عجب مجلس قشنگی! هم مختصر بود و هم بلافاصله پذیرایی. اگر دیدی این بچه آمادگی دارد، هفته بعد پانزده دقیقه، با شیب ملایمی، نه با افراط و تفریط زیاد کن. هیأت‌هایی هستند به صورت افراطی ساعت‌ها سینه‌زنی و عزاداری می‌کنند. غافل از اینکه هر کسی توان و تحمل ندارد.

اعتدال در عبادت، رهنمود مولا امیرالمؤمنین علیه السلام به فرزند خویش بود.

۲۸ - حضور بچه‌ها در مسجد

از مباحث نماز و خانواده، مسئله از حضور بچه‌ها در مسجد است. خیلی‌ها سؤال می‌کنند نظر اسلام در این باره چیست؟ بچه‌ها را به مسجد ببریم یا نبریم؟ گاهی احادیثی را هم بیان می‌کنند که از حضور و بردن بچه‌ها به مسجد نهی شده است؟!!

اما وقتی به سیره‌ی پیامبر و اهل بیت نگاه می‌کنیم، می‌بینیم بچه‌ها زمان پیغمبر در مسجد حضور داشتند. امام حسن و امام حسین علیه‌السلام وارد مسجد می‌شدند، گاهی که پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در سجده بود، سجده را طول می‌دادند. به گونه‌ای که بعد از نماز، نمازگزاران پرسیدند: یا رسول الله، در سجده به شما وحی رسید که اینقدر طول دادید؟ فرمود: نه، این بچه‌ها روی کمر من بازی می‌کردند، نمی‌خواستم بازی آنها به هم بخورد. معنای این کار چیست؟ اگر این کار نادرست بود، باید پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بفرماید: بچه‌ها را در خانه نگه دارید و به مسجد نیاورید. گاهی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بالای منبر بودند که دیدند امام حسن و امام حسین علیه‌السلام دوان دوان وارد مسجد شدند. داشتند می‌افتادند، پیغمبر سخنرانی خود را قطع کرد، آمده بچه‌ها را بغل کرده و آنان را بالای منبر برده و همراه با بچه‌ها سخنرانی خود را ادامه می‌دهد.

یک روز رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نمازش را با سرعت تمام کرد. اصحاب پرسیدند: یا رسول الله چه شده است، امروز نماز را خیلی تند خواندید؟! آن حضرت فرمود: مگر صدای گریه‌ی بچه را نشنیدید؟! معلوم شد آن طرف پرده مادری در حال نماز بوده و بچه‌اش گریه کرده است. پیغمبر به احترام

آن بچه و مادرش، نماز را سریع خواند و نهی هم نکرد. اگر ما باشیم می‌گوییم: این مادر که بود که نماز همه را به هم زد، و تندی می‌کنیم! اما می‌بینیم که پیغمبر طوری برخورد کرد که این مادر باز هم با بچه به مسجد بیاید.

بنابراین احادیثی که نهی کرده از آوردن کودکان به مسجد، دلیل خاصی دارد، دو دلیلش را بیان کرده‌اند: یکی به دلیل پاکی و نجاست است. خانواده‌هایی که مراقب پاکی بچه‌ها هستند، بچه را می‌توانند به مسجد بیاورند. چون مسجد باید طاهر و پاکیزه باشد و نباید نجس شود. اگر نجس شد، همه وظیفه دارند هرکاری دارند را رها کنند و به تطهیر مسجد بپردازند، اما بچه‌ای که در خانه با آداب حضور در مسجد بزرگ شده و نجسی و پاکی را می‌شناسد را می‌توانیم به مسجد ببریم.

علامه مجلسی تعریف می‌کند که چهار ساله بودم به مسجد می‌رفتم و برای مردم مسأله می‌گفتم.

اصحاب پیغمبر تعریف می‌کنند که بچه بودیم و به مسجد می‌رفتیم و پیغمبر از ما تفقد می‌کرد. بچه‌ها باید تجربه کنند نیایش دسته جمعی را. دلیل دیگری که نهی از آوردن کودکان به مسجد، سر و صدا و شلوغ کردن بچه‌هاست. خوب این را باید مدیریت کرد، خانواده‌ها مواظبت کنند و جایی برای این بچه‌ها فراهم شود که آنها را در ساعتی که نماز برپا می‌شود، آنجا مشغول باشند. پدر و مادرها هم با توصیه و پند و اندرز بچه‌ها را ببرند و جلوی شلوغ کردن آنها را بگیرند.

بچه‌ها در مسجد مایه‌ی برکت هستند. پیغمبر ﷺ فرمود: می‌خواهید

دعای شما مستجاب شود، دعا کنید و بچه‌ها آمین بگویند. شما حساب کنید از هرکسی که مسجدی و نمازخوان است پرسید: کجا نمازخوان شدی؟ می‌گوید: در مسجد، می‌گوید: من از بچگی به مسجد می‌آمدم و تجربه شیرینی از کودکی دارند. بچه‌ها را از آمدن به مسجد نهی نکنیم. متأسفانه مساجدی هستند که در قسمت خانم‌ها به دختر بچه‌ها بی احترامی می‌کنند. در قسمت آقایان، بزرگسالانی که مرتب به مسجد می‌آیند، اگر یک پسر بچه در صف اول بایستد، به او بی احترامی می‌کنند، مسخره می‌کنند و طعنه می‌زنند.

امام زین العابدین عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: بچه‌هایی که به مسجد آمدند، همه را بین صف‌ها و بزرگترها جا بدهید، تا احساس بزرگی کنند. آمدن و حضور بچه‌ها در مسجد، مایه برکت است.

۲۹- هشدار پیامبر به خانواده‌ها

ما مهربان‌تر از خدا نداریم، «**وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ**»^۱، بعد از خدا مهربان‌ترین مهربان‌ها، پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. «**وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ**»^۲ او همه را دوست دارد. پیامبر اسلام هم برای مسلمانان زمان خودش نبود، تا روز قیامت هر مسلمانی، هر مؤمنی، هر خداپرستی روی این کره خاک قدم گذارد، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ او را دوست دارد و برای هدایتش عشق و سوز دارد.

یک قصه‌ی تکان دهنده

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از خانه بیرون آمد و در کوچه جمعی از بچه‌ها را دید.

۱. یوسف، ۶۴.

۲. انبیاء، ۱۰۷.

نگرانی خودش را اینطور بیان کرد: «وَيْلٌ لِّأَوْلَادِ آخِرِ الزَّمَانِ مِنْ آبَائِهِمْ» وای بر بچه‌های آخرالزمان از دست پدران و مادرانشان. گفتند: منظور شما پدر و مادرهای مشرک آنان است؟ حضرت فرمود: «لا، مِنْ آبَائِهِمُ الْمُؤْمِنِينَ لَا يُعَلِّمُوهُمْ شَيْئًا مِنَ الْفَرَائِضِ»، نه از پدر و مادرهای مسلمان و با ایمان آنان که احکام دین را به بچه‌هایشان یاد نمی‌دهند. روز قیامت از پدر و مادرها می‌پرسند: این بچه‌ای که خدا به شما داد، مسائل دینی، احکام نماز و روزه‌اش، احکام حقوق مردم و احکام حجاب را به آنان آموختی؟ لازم است این پدر و مادر به بچه‌ها بیاموزند یا او را به مسجد و حسینیه برده و در کلاسی بگذارند، تا به سن تکلیف که رسیدند این مسائل را بلد باشند. آنها نه تنها به بچه‌هایشان چیزی از واجبات را یاد نمی‌دهند، بلکه اگر خود بچه‌ها هم برای آموزش آن مسائل اقدامی کردند، پدر و مادر به جای تشویق، مانع آن شده و آنها را توبیخ می‌کنند، مسخره می‌کنند. بچه‌ها را دست می‌اندازند و به اندکی از امور دنیوی آنان دلخوش هستند. «وَإِذَا تَعَلَّمُوا أَوْلَادَهُمْ مَنَعُوهُمْ وَرَضُوا عَنْهُمْ بِعَرِضٍ يَسِيرٍ مِنَ الدُّنْيَا»^۱ دلخوشی آنان داشتن یک دنیای خوب، غذای خوب، لباس خوب، کیف و کفش خوب، ظاهر خوب، موبایل خوب است.

آنگاه پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: من از آنها بیزارم و آنها از من بیزار هستند. خیلی این جمله خطرناک است، درباره‌ی مشرکین نیست، درباره‌ی مؤمنین و پدر و مادران مسلمانی که نسبت به احکام بچه‌هایشان، دانستنی‌هایی که یک بچه مسلمان باید بلد باشد؛ چطور وضو بگیرد،

چطور تیمم کند و قبله را بشناسد، کوتاهی کرده، می‌باشد؟ قرائت نمازش چطور باشد که صحیح باشد و از چه کسی تقلید کند. چطور روزه بگیرد و مبطلات روزه چیست. پاکی و نجسی، چه چیزهایی پاک و چه چیزهایی نجس است. نجس‌ها چطور پاک می‌شوند. پدر و مادرها وظیفه دارند. احکام دین را به فرزندانشان بیاموزند. اگر ما شفاعت پیغمبر ﷺ را می‌خواهیم، دوست داریم روز قیامت بر سر حوض کوثر پیغمبر ما را شفاعت کند و از دست مبارک امیرمؤمنان علی ع از آب حوض کوثر بنوشیم، الآن باید تعلیمات بچه‌هایمان را مراقبت کنیم. حتی در درس‌هایی که معلم‌ها به بچه‌های ما می‌دهند، مثل درس قرآن و دینی مشارکت کنیم. ما معمولاً وقتی از درس بچه‌هایمان می‌خواهیم بپرسیم، می‌گوییم: مریم جان، حسن آقا، درس ریاضی یا زبان را بیاور من بپرسم. روی ریاضی و زبان و فیزیک و امثال آن چقدر حساس هستیم، روی معارف و احکام دین چطور؟

پس بیاییم یا خودمان مشارکت کنیم یا مطمئن شویم بچه‌ها در کلاس‌هایی این تعلیمات را یاد گرفته‌اند و روز قیامت در پیشگاه خدا، پیامبر و ائمه رو سفید هستیم. خوشبختانه درباره‌ی احکام روش‌های امروزی، نوین و تصویری، محصولات فرهنگی به بازار آمده است. برادر عزیزم، جناب آقای فلاح زاده آموزش تصویری احکام، کتاب و سی‌دی‌هایی دارند و نرم افزارهایی در بازار وجود دارد، یک کاری کنیم وقتی بچه‌های ما به تکلیف رسیدند، احکام و فرائض و واجبات را بلد باشند.

۳۰- عبرت از بنی اسرائیل

نیمی از قرآن کتاب آسمانی ما مسلمانان، تاریخ گذشته است. یعنی خدای مهربان با بیان تجربه‌های گذشته‌ها، شیرینی‌ها، تلخی‌ها، شکست‌ها، پیروزی‌ها و تصمیمات درست را به ما یاد می‌دهند و به ما می‌فرماید: این تاریخ را برایت گفتم. «فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ»؛ ای صاحبان بینایی و آگاهی عبرت بگیرید.

بیشترین قومی که قصه‌شان در قرآن آمده، بنی اسرائیل است و حدود هشتصد آیه از قرآن در مورد این امت است. آنان مردمانی بودند که با فرعون و فرعونیان مبارزه کردند و آنها را شکست دادند و به رهبری حضرت موسی یک حکومت دینی تأسیس کردند. از جانب خداوند به موسی بن عمران و برادرش هارون دستور داده شد که به مردم بگویند خانه‌هایشان را جهت دار و به سمت قبله بسازند و نماز را به پای دارند و نماز فراموش نشود. «وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ». ^۲ انقلاب، انقلاب دینی است. انقلاب دینی، اصل اولش رابطه با خداوند و نماز است. چنانکه در آیه دیگر می‌خوانیم: «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ»؛ ^۳ کسانی که وقتی به قدرت می‌رسند، اولین انرژی خود را روی برپایی نماز می‌گذارند. مدتی بعد خداوند موسی بن عمران را فرمان داد تا به کوه طور برود و الواح تورات و فرمان‌های خدا را دریافت و به مردم منتقل کند. یکی از آن فرمان‌ها، اقامه نماز بود. (سوره بقره آیه ۸۳)

۱. حشر، ۲.

۲. یونس، ۸۷.

۳. حج، ۴۱.

جامعه‌ی بنی اسرائیل ادامه پیدا کرد، ۲۰ سال، ۳۰ سال، ۴۰ سال گذشت. قرآن کریم این را در سوره مریم، چنین بیان فرموده است: «**مَخْلَفٌ مِّنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا**»؛ بعد از نسل‌های اول انقلاب، نسل‌های دوم و سوم و چهارم آمدند، نماز را خراب کردند و به دنبال هوسرانی و شهوت‌ها رفتند. به زودی مجازات گمراهی خود را خواهند دید.

قصه‌ی بنی اسرائیل که تمام شده است، این یک هشدار برای ما می‌باشد. تا خداپرستی و نماز را به نسل‌های بعد منتقل کنیم امام حسین علیه السلام هنگام حرکت به سمت کربلا، از جمله آیاتی که خواند، همین آیه بود. حدود پنجاه سال از رحلت پیغمبر گذشته، نماز خراب شده و مسلمانان به دنبال شهوترانی و هوسرانی و بی‌تفاوتی رفته‌اند.

باید کاری کنیم که اسلام، این امانتی که به ما سپرده شده را به نسل‌های بعد بسپاریم. در مسجدهای ما از همه سنین باید حضور داشته باشند. ده و بیست ساله، بیست و سی ساله، چهل و پنجاه ساله، شصت و هفتاد ساله، خانم و آقا، از همه اصناف و همه‌ی اقشار، این مأموریت ما است. نکند نسل‌های بعدی ببینند ولی در بین آنها نماز خواندن رونق نداشته باشد. یکی از یاران پیغمبر به نام ابن مسعود است. پیغمبر او را بسیار دوست داشت، گاهی وقت‌ها ساعت‌ها تنهایی می‌نشست و با او حرف می‌زد. مجموعه پنندهای پیامبر به ابن مسعود به صورت کتابی چاپ و به فارسی ترجمه شده است. یک جمله‌اش این است که به ابن مسعود

می‌فرماید: بعد از من گروه‌هایی می‌آیند که بهترین غذاهای رنگارنگ را می‌خورند، خودشان را آرایش می‌کنند مانند آرایش زن برای شوهر، اما «تَارِكُونَ الْجَمَاعَاتِ» آنها از اجتماعات فاصله می‌گیرند، در مسجد و نمازجماعت و نمازجمعه، شرکت نمی‌کنند. مخصوصاً در بین نمازها به نماز مغرب و عشا بی‌اعتنایی نشان می‌دهند. عبادت نمی‌کنند و حتی به فکر آن هم نیستند که شاید نماز به گردن آنها تعهدی ایجاد کرده باشد. شب‌ها دیر می‌خوابند و صبح‌ها در خوابند.^۱

این پیشگویی پیغمبر است. الآن شرایط اجتماعی ما چگونه است؟ شب‌ها دیر می‌خوابند و صبح‌ها در خواب هستند و نمازشان قضا می‌شود. ما باید مراقبت کنیم و از بنی اسرائیل عبرت بگیریم. که فرمود: «مَخْلَفٌ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ» نسل‌هایی پس از نسل‌های اول انقلاب آمدند و نماز را تباه کردند و دنبال شهوترانی و هوس بازی رفتند. درنگ کنیم و از این هشدار الهام بگیریم.

۳۱- احترام به شخصیت نوجوان

سلام و رحمت خدا بر شهید بزرگوار، مطهری که می‌گوید: به نظر من موفق‌ترین انسان تاریخ، حضرت محمد ۹ است. او کسی بود که بدون تکیه بر قدرت‌های جهانی و بدون داشتن مال، فقط به خاطر داشتن آئینی فطری و عقلانی و به خاطر داشتن اخلاقی نیک، توانست در کم‌تر از پنجاه سال نیمی از مردم دنیا را به آئین خود متوجه کند.

یکی از شاهکارهای اخلاقی پیامبر اکرم ﷺ احترام به شخصیت

انسان هاست، به خصوص سه گروه: نوجوانان، بانوان و فقیران. آن حضرت با این کار توانست لشگری بزرگ برای خود فراهم کند. پیامبر اکرم ﷺ به شدت به بچه‌ها و نوجوانان احترام می‌گزارد، تا جایی که فرمودند: «**حَسُّ لَا أَدْعُهُنَّ حَتَّى الْأَمَمَاتِ لِتَكُونَ سُنَّةً مِنْ بَعْدِي**» پنج کار هست تا بمیرم آن را ترک نخواهم کرد تا بعد از من میان مردم سنت و رسم شود. یکی از آنها: «**وَالتَّسْلِيمُ عَلَى الصَّبِيَّانِ**»^۱ سلام کردن به کودکان و نوجوانان است.

مُصْعَب اولین مبلغی که آن حضرت از مکه به مدینه فرستاد، بعد که به مدینه تشریف آوردند، از او گزارش خواست که آیا در تبلیغ دین موفق بوده‌ای؟ مصعب گفت: الحمدلله، حضرت پرسید: با چه شیوه‌ای کار کردی؟ گفت: ابتدا به سراغ نوجوانان ها رفتم و به آنها سلام کردم و احترام گذاشتم.

روزی پیامبر ﷺ از خانه به سمت مسجد می‌رفتند که در کوچه بچه‌هایی را مشغول بازی دیدند. بچه‌ها این را دیده و شنیده بودند که پیغمبر نوه‌های خودش، امام حسن و امام حسین، را روی دوش خود سوار می‌کند. از پیغمبر خواستند که آنها را نیز سوار کند. پیامبر رحمت شروع کرد به دوش گرفتن تک تک بچه‌ها و آنها را از این قسمت کوچه به قسمت دیگر آن می‌برد. نمازگزاران مسجد که منتظر رسول خدا ﷺ بودند، بلال حبشی را به دنبال آن حضرت فرستادند تا ببینند چه شده امروز پیامبر دیر کرده است؟ وقتی بلال به آنجا رسید و دید بچه‌ها بر دوش پیغمبر سوار می‌شوند، خواست با تندی بچه‌ها را دور کند. اما آن

حضرت او را نهی کرد و به بلال فرمود: به خانه من برو بین خوردنی برای بچه‌ها هست؟ بلال به خانه پیامبر رفت و تعدادی خرما یا گردو با خود آورد. پیغمبر به بلال فرمود: رنجاندن بچه‌ها برای من سخت‌تر است از تأخیر نماز جماعت. با اینکه پیغمبر درباره‌ی نماز اول وقت خیلی توصیه می‌کرد، اما حضرت می‌داند که این بچه‌های کوچکی که مردم در آینده‌ها، در خاطرشان می‌ماند که چقدر پیغمبر برای کودکان ارزش قائل است.

کودکان و نوجوانانی که وارد جماعت و مسجد می‌شوند، باید به آنها تعظیم کنیم، احترام و محبت کنیم. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «**أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا أَدَبَهُمْ**»^۱ به فرزندانان احترام بگذارید و در سایه‌ی این تکریم و احترام، تربیت خوبی انجام دهید. بنابراین گام اول، شخصیت دادن و احترام گذاشتن و گام دوم، تربیت خوب است و اولی زمینه برای دومی است.

جابر بن عبدالله انصاری این قصه‌ی شیرین را تعریف کرده که من که نوجوانی در مسجد بودم، هنگامی که نماز تمام شد، شخص پیغمبر بعد از نماز یک طبق شیرینی آورد تا بین نمازگزاران تقسیم کند. جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید، تا نوبت به من رسید، یک شیرینی برداشتم. پیغمبر از من گذر نکرد و پرسید: کافی است؟ گفتم: باز هم می‌خواهم و به من بیش از دیگران شیرینی داد. الآن در مساجد ما کم چنین چیزی را می‌بینیم که خود امام جماعت این کار را انجام دهد.

این سیره نشان می‌دهد ما برای نوجوان‌هایی که در جماعات و دعاها و هیأت‌ها حضور دارند، باید یک خط ویژه برویم.

۳۲- به نماز پناه ببریم

انسان قوی‌ترین مخلوق خداوند است. خداوند جهان را برای انسان و در استخدام انسان قرار داده است. چنانکه قرآن بارها بیان کرده: ما هستی را برای شما و مستخر شما قرار دادیم: «**خَلَقَ لَكُمْ سَخِرَ لَكُمْ**». اما همین انسان آسیب‌پذیر هم هست و چه بسا ضعف‌ها و حوادث او را می‌یوس کند. خداوند دو پشتوانه برای انسان قرار داده تا در مشکلات، بحران‌ها، نداری‌ها، سختی‌ها و بیماری‌ها ایستادگی کند؛

پشتوانه‌ی اول، صبر که در نهاد همه ما هست. انسان توانایی دارد در مقابل امواج بلا بایستد. باید خود را باور کند، به خود اعتماد کند.

پشتوانه دوم، نماز است. در سوره مبارکه بقره دو بار این آیه آمده است: «**وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ**»؛ ای مسلمانان، کم نیاورید، کمک بگیرید از توانایی‌هایی که خدا در وجود شما قرار داده و کمک بگیرید از نماز. از توانایی و قدرت بی‌انتهای پروردگار که کمک بگیرید: «**انه على كل شيء قدير**»^۱ این باید سبک زندگی ما باشد.

در حدیث می‌خوانیم که پیامبر عزیز ما در خانه هر وقت با مشکلی روبرو می‌شد، به اعضای خانواده می‌فرمود: وضو بگیرید، نماز بخوانیم و از نماز برای مشکلمان کمک بگیریم. «**أَمَرَهُمْ بِالصَّلَاةِ**» دستور می‌داد اهل خانه و

۱. بقره، ۴۵ و ۱۵۳.

۲. حج، ۶.

اعضای خانه نماز بخوانند. و آنگاه این آیه می خوانند: «**وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ**». الآن در خانواده های ما این گونه نیست. دختر، پسر آزمونی داده و در امتحانی شرکت کرده یا می خواهد در امتحانی شرکت بکند، دلهره و استرس دارد. می گوید: پدر جان چه کنم؟ خیلی کم اتفاق می افتد به او بگوییم: عزیزم، وضو بگیر و نماز بخوان. این باید در سبک زندگی ما قرار بگیرد. در بیمارستان ها، در کنار اتاق عمل، باید این شعار نوشته شود: «**وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ**». من چند بار شده بچه هایم در بیمارستان در اتاق عمل بودند. سه چهار ساعت قدم می زدم تا جوابی از اتاق عمل بیاید. آنجا وقت استمداد از نماز است. در دادگاه ها و جاهای حادثه خیز باید این مقابل چشم ما باشد که از نماز کمک بگیرید. رهبر عزیز انقلاب در یکی از پیام هایی که به اجلاس نماز (۱۳۷۰) دادند فرمودند: انسان همیشه به نماز محتاج است و در عرصه های خطر، محتاج تر.

زمانی که مسأله سختی برای پیغمبر و خانواده اش پیش می آمد، آن حضرت به آنها می فرمود: «**قُومُوا إِلَى الصَّلَاةِ**»؛ بلند شوید نماز بخوانید. و ادامه می دادند: «**بِهَذَا أَمْرِي**» خدا این گونه به ما فرمان داده است. «**وَأَمْرٌ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا**»^۱.

امام صادق علیه السلام فرمود: مردی از پدرم امام باقر علیه السلام پرسید: «**أَحَدُ أَهْلِي؟**» به نظر شما ای فرزند رسول خدا من باید با خانواده ام صحبت کنم؟ «**قَالَ نَعَمْ**» فرمود: بله، این صحبت زن و شوهری برای تربیت بچه ها خیلی مهم است. خداوند در قرآن می فرماید: «**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ**

أَهْلِيكُمْ نَارًا؛ شما مسئولیت دارید که خانواده و اعضای خانواده خود را از آتش جهنم دور کنید. همچنین می‌فرماید: **«وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ»** خانواده‌ات را به نماز سفارش کن.^۱

بچه‌های ما باید به گونه‌ای بزرگ شوند که اگر به دانشگاه رفتند، یا به شهر و استان دیگر یا کشور دیگری رفتند، هنگامی که با مشکلی مواجه شدند، از نماز کمک بگیرند. نماز را پشتوانه خود در زندگی بدانند. بگویند: من در خانه یاد گرفتم، پدر بزرگم، پدرم، مادرم و مادر بزرگم، همیشه تا به مشکل می‌رسیدیم می‌گفتند: وضو بگیر و نماز بخوان و از خدا کمک بخواه.

رحمت خدا به روح عالم و دانشمند بزرگ بوعلی سینا، او گفته حتی در مسائل علمی هر وقت به نتیجه نمی‌رسم و یک مجهولی را نمی‌توانم کشف کنم، وضو می‌گیرم و نماز می‌خوانم. **«وَكَانَ إِذَا اشْكَتَ عَلَيْهِ مَسْأَلَةٌ تَوَضَّأَ وَقَصَدَ الْمَسْجِدَ الْجَامِعَ وَدَعَا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَسْهَلَهَا وَيَفْتَحَ مَغْلَقَهَا لَهُ»**.^۲

امام صادق علیه السلام به یکی از اصحابش به نام مَسْمَع فرمود: چرا شما اینطور نیستید که وقتی یک غمی از غم‌های دنیا به دلتان نشسته، یک ماجرا و حادثه‌ای پیش آمده، ورشکستگی پیش آمده، مریضی پیش آمده، چرا این کار را نمی‌کنید، وضو بگیرید، دو رکعت نماز بخوانید و از خدا استمداد بطلبید. **«مَا يَمْنَعُ أَحَدَكُمْ إِذَا دَخَلَ عَلَيْهِ غَمٌّ مِنْ غَمُومِ الدُّنْيَا أَنْ يَتَوَضَّأَ ثُمَّ يَدْخُلَ مَسْجِدَهُ وَيَرْكَعُ رَكَعَتَيْنِ فَيَدْعُو اللَّهَ فِيهِمَا»** و ادامه دادند آیا این آیه را نشنیده‌ای: **«وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»**.^۳

۱. حج، ۶.

۲. سیمای فرزندگان، ص ۱۷۱.

۳. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۴۲.

۳۳_ پاسخ به سه سؤال درباره کودکان

در این بخش می‌خواهیم به سؤالاتی که اغلب در خانواده‌ها درباره تکلیف بچه‌ها مطرح می‌شود، پاسخ دهیم.

سؤال اول: آیا عبادت بچه‌ها ثواب دارد؟ نماز می‌خوانند، روزه می‌گیرند، صدقه می‌دهند، زیارت می‌کنند، هیأت می‌روند، چه بسا به زیارت خانه خدا بروند. چون اولین صفحه پرونده ما روزی است که به تکلیف می‌رسیم. این پسر بچه تازه به تکلیف رسیده است، کارهایی که در دوازده سالگی، ده سالگی، هشت سالگی و شش سالگی کرده، چه می‌شود؟ آیا پذیرفته و ثواب داده می‌شود؟

پاسخ: با توجه به احادیث: بله ثواب دارد. منتهی ثوابش در چند پرونده نوشته می‌شود، پرونده خود بچه‌ها قبل از صفحه یک، یک مقدمه‌ای در آن کتاب نوشته می‌شود. کارهایی که بچه‌ها قبل از به تکلیف رسیدن انجام داده‌اند و حتماً ثواب دارد. علاوه بر آن در پرونده پدر و مادر و در پرونده‌ی معلم و مربی هم این پاداش نوشته می‌شود. حتماً عبادت‌های بچه‌ها ثواب دارد، شک نکنید.

سؤال دوم: خسارت‌هایی که بچه‌ها وارد می‌کنند، ضمانت دارد؟ چون بچه در ذهن خودش می‌گوید: من که به تکلیف نرسیده‌ام. پارچ آب همسایه را شکسته و کسی مطلع نشده، یا توپ را شوت کرده و شیشه مردم شکسته است. یک چیزی را از جایی برداشته است. خسارت‌هایی که بچه‌ها در دوران بچگی به دیگران می‌زنند، ضامن هستند؟

پاسخ: بله ضمانت دارد و آنها ضامن هستند. طولانی‌ترین آیه قرآن که

اواخر سوره بقره آمده، آیه دین و مسائل حقوقی است. خیلی مهم است. منتهی پدر و مادر بچه وقتی مطلع می‌شوند، چه بسا حلالیت می‌طلبند یا جبران می‌کنند. اگر سیلی زده، دیه می‌دهند. خسارتی وارد کرده، خسارت می‌دهند. اگر پدر و مادر مطلع نشدند یا مطلع شدند و بی تفاوت بودند، این به گردن بچه است. از روزی که به تکلیف می‌رسد این بدهکاری در حسابش هست تا پایان عمر. مثلاً بنده شصت و خرده‌ای سال دارم، یادم هست هشت ساله بودم از جایی رد می‌شدم، یک چیز خوردنی برداشتم. الآن در حافظه‌ام هست که باید بروم مغازه را پیدا کنم، وارث‌ها را پیدا کنم، اگر دسترسی ندارم، قواعد و قوانینی دارد، باید به دفتر مرجع تقلید مراجعه کنم. خسارت‌هایی که بچه‌ها وارد می‌کنند، ضمانت دارد. اول به عهده پدر و مادر است. اگر آنها ندادند، خود بچه‌ها ضامن هستند تا پایان عمر.

سؤال سوم: جرم‌هایی که بچه‌ها مرتکب می‌شوند که اگر بزرگترها مرتکب شوند در دادگاه برای آنها کیفر تعریف شده است، مثل فحش و دشنام دادن، ما در قرآن داریم بعضی دشنام‌ها هشتاد ضربه شلاق دارد. یک نسبت ناروایی به کسی می‌دهد. جرمی را مرتکب می‌شود که حدّ دارد. آیا اینها چون بچه هستند، کیفری دارند؟

پاسخ: بله کیفر دارند، منتهی این را قاضی باید بگوید چه اندازه برای این مورد و تنبیه‌اش کافی است. ممکن است بگوید: پنج ضربه شلاق یا کیفر دیگری را قاضی بر اساس مصلحت، که این بچه بار اولش است، بار چندم است، شدت آن جرم و گناه چقدر بوده است.

بنابراین، عبادت‌های بچه‌ها، ثواب دارد. خسارت‌های بچه‌ها ضمانت دارد. جرم‌هایی که بچه‌ها مرتکب می‌شوند، کیفر دارد.

۳۴- ستایش پدری دلسوز

از چیزهایی که در تربیت نیاز داریم، معرفی الگو است. الگوها به ما امید می‌دهند. الگوها راه‌های بسته را باز می‌کنند. خدای مهربان در قرآن کریم بارها الگوهایی را معرفی فرموده است، الگوهایی مانند حضرت ابراهیم علیه السلام: «**وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِبْرَاهِيمَ**» ای رسول ما! ابراهیم را یاد کن. او می‌تواند به شما راه نشان بدهد و به شما امید بدهد. یا حضرت اسماعیل: «**وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِسْمَاعِيلَ**» اسماعیل را یاد کن. یا الگوهایی مانند حضرت موسی و هارون: «**وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مُوسَى وَ هَارُونَ**»؛ آن دو پیامبر انقلابی، مقاوم که انقلاب را به پیروزی رساندند و فرعونیان را متلاشی کردند. موسی و هارون را یاد کن. یا حضرت مریم: «**وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ**»؛ ای پیامبر، مریم آن دختر پارسا را یاد کن.

یکی از این الگوهای قرآنی، حضرت اسماعیل علیه السلام است، ما بیشتر درباره‌ی نوجوانی‌اش قصه شنیدیم، اما در سوره‌ی مبارکه مریم آیات ۵۴ و ۵۵، درباره‌ی شیوه پدری حضرت اسماعیل قصه را نقل می‌کند و می‌فرماید: «**وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِسْمَاعِيلَ اِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَ كَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا**»؛ سرگذشت اسماعیل، قهرمان توحید و تسلیم را نگاه کن که او صادق الوعد و وفادار به قول و قرارش بود و پیامبری از پیامبران الهی بود. همه پیامبران

۱. مریم، ۱۶.

۲. مریم، ۵۴.

صادق الوعد بودند، وعده می دادند به وعده شان عمل می کردند، اما این پدر را خدا به صورت ویژه بر روی این صفت او دست گذاشته که خیلی خوش قول بوده است.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: پدر و مادرها به بچه هایتان قول می دهید، وفا کنید. «**احبوا الصبيان وارحموهم واذا وعدتموهم شيئا ففوا لهم**»^۱. بی وفایی اگر در حافظه بچه بماند، به شما بی اعتماد می شود.

حضرت اسماعیل، به وعده هایش عمل می کرد و فرستاده خدا و موظف بود اخباری که از طرف خدا دریافت می کند را به امتش منتقل کند.

و ادامه می دهد: «**وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا**»^۲ در ادبیات عرب می گویند: فعل مضارع نشانه استمرار و مداومت است. علاوه بر این وقتی با «**كان**» همراه شود، نشانه استمرار است. اسماعیل پیوسته اهل خانه خود را به نماز و زکات سفارش می کرد. به همین خاطر در پیشگاه پروردگارش مورد پسند بود.

در قرآن آیاتی داریم که درباره بعضی می فرماید: «**رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ**»^۳ خدا از آنها راضی است و آنها از خدا راضی هستند. یکی همین خانواده هایی هستند که پیوسته بچه هایشان را به نماز توصیه می کنند، با پند و اندرز، با نصیحت، با دلیل و مهر و قهر، و این موضوع مهم را به راحتی رها نمی کنند. چنانکه سبک زندگی حضرت اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَام چنین بود. «**وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ**». پیوسته سفارش می کرد.

۱. کافی، ج ۶، ص ۴۹.

۲. مریم، ۵۵.

۳. مائده، ۱۱۹.

ما به غذای بچه‌هایمان حساس هستیم و همیشه پرس و جو می‌کنیم، حتی وقتی ازدواج می‌کنند، مادر زنگ می‌زند عزیزم غذا دارید بخورید؟ گوشت در خانه دارید؟ نسبت به پوشاک بچه‌ها حساس هستیم که آبرو داشته باشند، در کوچه و خیابان و مهمانی مایه آبروی پدر و مادر باشند. نسبت به کیف و کفش و مدرسه آنها حساس هستیم. اما نسبت به نمازشان چگونه هستیم؟! این نماز را باید در رده اول بیاوریم.

پدری مثل حضرت اسماعیل پیوسته نسبت به نماز خانواده خود حساس بود و به همین دلیل نزد خدا مورد پسند واقع شد. «وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا». از این آیه می‌فهمیم که امر به معروف را از نزدیکیان خود شروع کنیم. امر به نماز که مصداق بلند معروف است، از خانواده خود شروع کنیم. در امر به معروف استمرار و مداومت داشته باشیم. سفارش به زکات در کنار سفارش به نماز باید به بچه‌ها گفته شود. فقط نماز نه، عزیزم، همسرم، فرزندم، غیر از نماز زکات هم در دین ما و در همه ادیان بوده است. توجه به فقرا وقتی با نماز کنار هم دیده می‌شود، بسیار قشنگ است.

۳۵- پایداری بر سفارش به نماز

دو تا از واجبات و فروع دین ما، امر به معروف و نهی از منکر است. طبق فرموده امیرمؤمنان علی علیه السلام، این دو ضامن اجرای بقیه‌ی احکام دین هستند. در نهج البلاغه آمده که همه دین مثل یک قطره است که از منقار یک پرنده‌ای در دریا بریزد و امر به معروف مثل دریاست. «ما اعمال البر كلها والجهاد في سبيل الله، عند الامر بالمعروف والنهي عن المنكر، الا كمنفة

فی مجرلی»^۱.

امر به معروف و نهی از منکر نشانه‌ی اهتمام ما به مکتب و نشانه‌ی عشق ما به مردم و نشانه‌ی اهمیت ما به ارزش‌هاست. البته باید ابتدا معروف‌ها و منکرها و حلال و حرام‌ها را بشناسیم، چنانکه در حدیث می‌خوانیم: «صَاحِبُ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ يَحْتَاجُ إِلَى أَنْ يَكُونَ عَالِمًا بِالْحَلَالِ وَالْحَرَامِ»^۲ کسی که امر به معروف می‌کند نیاز دارد که آگاه به حلال و حرام باشد مثل دانشجویی که در دانشگاه قبول شده و قبل از ترم اول می‌گویند: شما در بعضی درس‌ها ضعیف هستید یا پیش‌نیازهایی را باید بگذرانید. مثلاً در زبان انگلیسی ضعیف هستید. تست‌هایی که زدید تعدادش کم است، فعلاً برو چند واحد زبان انگلیسی بخوان، پیش‌نیاز است. پیش‌نیاز امر به معروف و نهی از منکر این است که باید این دانش و مهارت را یاد بگیریم تا بتوانیم اجرا کنیم. به فرموده امام صادق ع یکی از پیش‌نیازها این است که معروف را بشناسد، این که چه چیزی معروف و چه چیزی منکر است؟

یکی دیگر از پیش‌نیازها این است که صبر داشته باشد. اینطور نیست که آدم‌ها تا یک چیزی را گفتیم بپذیرند و پسندند، حوصله لازم دارد.

ما می‌خواهیم به بچه‌مان بگوییم: عزیزم، تمیز باش، مرتب باش، درس خوان باش، ورزش کن، هریک از اینها با یکی دو سه بار گفتن حل نمی‌شود. استمرار در امر به معروف و نهی از منکر نتیجه می‌دهد. چرا خداوند در قرآن بعضی مطالب را تکرار کرده است؟ مثلاً سی و چند بار در سوره‌ی الرحمن می‌خوانیم: «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ»؛ کدام یک از

۱. نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴.

۲. بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۸۳.

نعمت‌های الهی را تکذیب می‌کنید؟!

باید صبر و استقامت کنیم، در خیابان ری تهران با سرعت دنبال کاری می‌رفتم. مادری آمد جلوی مرا گرفت. دیدم خیلی پریشان است. گفتم: چه شده است؟ من عجله دارم می‌خواهم بروم. گفت: بچه من در این بیمارستان بستری است و دکترها جوابش کرده‌اند، امکان دارد شما بیایید زیارت عاشورا برایش بخوانید. دیدم این مادر جان بچه‌اش، سلامتی بچه‌اش برایش مهم است. همه درها را زده و همچنان امید دارد. گاهی پدرها و مادرها می‌پرسند: ما چه کار کنیم این بچه ما نماز نمی‌خواند، هرچه می‌گوییم نماز بخوان، نمی‌خواند؟! من از آنها می‌پرسم: بچه شما مریض می‌شود چه می‌کنید؟ دکتر می‌بریم. خوب نشد چه می‌کنید؟ دوباره دکتر، خوب نشد، دکتر را عوض می‌کنیم. خوب نشد، سراغ متخصص می‌رویم، خوب نشد، به مرکز استان، خوب نشد، به دنبال این می‌گردیم که خانه را بفروشیم و به کشور دیگری برویم تا بتوانیم او را درمان کنیم. گفتم: برای نماز بچه‌ها هم باید اینطور باشیم؛ اگر خودم گفتم اثر نکرد، یک نفر دیگر بگوید. این کتاب اثر نکرد، یک کتاب دیگر. فردی گفتیم اثر نکرد، جمعی بگوییم. این سلامت بچه ما، سعادت بچه ما و سرنوشت بچه ما می‌باشد.

خداوند به پیامبر اکرم ﷺ خطاب می‌کند: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا»؛ ای پیامبر! خانواده‌ات را به نماز سفارش کن و بر آن پایداری کن. امام باقر علیه السلام جمله «وَأَصْطَبِرْ عَلَيْهَا» را دو جور معنا کرده‌اند: یکی این

که: ای پیامبر خودت بر نماز شکبیا باش. یک معنای دیگر، بر همین توصیه‌ی خانواده به نماز شکیبایی بورز.

مسأله‌ی سفارش به نماز را یکی دو سه بار نه، در حدیث داریم، شیعه و سنی نقل کردند، تا شش ماه بعد از نزول این آیه، بعضی نوشتند تا نه ماه، هر روز پیامبر درب خانه دختر و دامادش را می‌زد و سلام می‌کرد و رحمت خدا را برای آنها می‌خواست و بعد می‌فرمود: رحمت خدا بر شما باد. نماز، نماز! این نشان می‌دهد ما باید یک پیگیری پیوسته برای نماز بچه‌هایمان داشته باشیم و زود مایوس نشویم.

حاج آقای قرائتی در کتاب شیوه‌های دعوت به نماز، بیش از چهل شیوه برای دعوت به نماز ذکر کرده‌اند، برای نماز فرزندانمان، دغدغه داشته باشیم.

۳۶- همسر کاهل نماز

گاهی همسران علیرغم اینکه وقت ازدواج یا قبل از ازدواج، با همدیگر صحبت کردند یا غافل شدند درباره مسائل دینی و نماز با هم صحبت کنند و یا شرط و شروط گذاشتند که من مذهبی و اهل نماز هستم. با این حال الآن با مشکل کاهل نمازی همسریا متأسفانه گاهی بی نمازی همسر روبرو هستند. یک اصل کلی را باید بدانیم که همه ما مسئول هستیم رسول خدا ﷺ: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ فَالْإِمَامُ رَاعٍ وَهُوَ مَسْئُولٌ وَالرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ وَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى بَيْتِ زَوْجِهَا وَعَلَى وُلْدِهِ فَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»^۱، همه شما نسبت به آنچه عهده‌دار شده‌اید مسئول هستید،

زامدار و امام مسئول ملت، مرد مسئول خانواده، زن مسئول امور منزل و فرزندان است. پس هر کس نسبت به انجام وظایف و حقوقی که به او واگذار شده مسئول است.

در این زمینه نکاتی را که کارشناسان توصیه می‌کنند را عرض می‌کنم.

۱- بدانیم نظام خانواده با اهمیت و بسیار مهم است. نگه داشت بنای خانواده، خود معروفی بزرگ است، نباید مسأله‌ی نماز به مشاجره تبدیل شود و کدورت بین زن و شوهر را تشدید کند. نباید این موضوع دلیل و عامل بهم خوردن زندگی و طلاق شود. حفظ نظام زندگی یک معروف مهم است.

۲- بدانیم بی‌نمازی هریک از زن و شوهر در نسل اثر گذار است. پیگیری مسأله مهم است. پدر یا مادر وقتی بی‌نماز باشند، بچه‌ها هم از آنها می‌آموزند.

۳- در چنین شرایطی اولین وظیفه، امر به معروف و نهی از منکر است. خیلی از خانم‌ها و آقایان از دفاتر مراجع تقلید پرسیدند: همسر من نماز نمی‌خواند یا کاهل نماز است، چه کنم؟ می‌فرمایند: شما وظیفه‌ای جز امر به معروف و نهی از منکر ندارید. امر به معروف با شرایطش، که به وقت حرف بزنی، خوب و تأثیرگذار حرف بزنی. شرایطش را در رساله بخوانیم و طبق روال رساله حرکت کنیم.

۴- افشاگری، بی‌احترامی، سرزنش و رسوا کردن همسر به خصوص در حضور فرزندان ممنوع است. نباید زن و شوهر همدیگر را مخصوصاً روبروی بچه‌ها تحقیر کنند.

۵- بهترین امر به معروف این است که خودمان نماز عاشقانه بخوانیم.

شک نکنیم که دیگران تحت تأثیر قرار می‌گیرد. خودمان نماز با اخلاص و عشق و آگاهی بخوانیم، تأثیر گذار است.

۶- همسری که نماز نمی‌خواند، نباید این را دخالت حساب کند و بگوید: به تو چه مربوط است، نمی‌خواهم نماز بخوانم! شما چرا به خودت اجازه می‌دهی به من امر و نهی کنی؟! باید بداند خدایی که ما را آفریده، این اختیار را به هر یک از ما داده و این مسئولیت را از ما خواسته است: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»^۱ مردان و زنان مؤمن بر هم ولایت دارند، اختیار دارند یکدیگر را امر به معروف و نهی از منکر کنند.

۷- خوب است ریشه‌یابی کنیم چرا همسر نماز نمی‌خواند؟ از نمازخوان‌ها بدی دیده، تنبلی می‌کند، دوست بی‌نماز دارد، شکستی در زندگی خورده، اطلاعات ندارد، فلسفه نماز را نمی‌داند، فایده نماز را نمی‌داند. نماز نخواندن افراد دوازده سبب دارد. مثلاً من سردرد دارم، به دکتر مراجعه می‌کنم. سردرد انواع مختلفی (۳۵ نوع) دارد. دکتر با پرسش‌هایی که از من دارد، سعی می‌کند نوع سردرد من را کشف کند، مثلاً آیا این سردرد به خاطر چشمان من است، یا به خاطر دندان درد است، به خاطر گوارش است، یا به علت ضربه بر سر است، به خاطر سینوزیت است، یا اعصاب. آن وقت پس از تشخیص، داروی مناسب می‌دهد.

۸- با افراد و خانواده‌های نمازخوان رفت و آمد کند. مطمئن باشیم معاشرت ما تأثیر دارد. امام کاظم علیه السلام فرمود: سعی کنید وقت خود را به

چهار قسمت تقسیم کنید؛ ساعتی برای مناجات خدا و ساعتی برای کار و امرار معاش، ساعتی برای لذات و تفریحات حلال و ساعتی برای معاشرت با افراد مطمئن تا عیوب شما را گوشزد کنند: «وَسَاعَةً لِمُعَاشِرَةِ الْإِخْوَانِ وَالْحَقَّاتِ الَّذِينَ يُعْرِفُونَكُمْ عُيُوبَكُمْ»^۱. خداوند فرموده است: «فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ»^۲، تذکر بده که وظیفه تو - که پیامبر خدا - تنها همین تذکر دادن است، «وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ»^۳. یادآوری کن و پند ده و آن را پی گیر باش، چرا که تذکر و اندرز برای مؤمنان سودمند است.

۹- برایش دعا کنیم. از همسرمان چه کسی عزیزتر است؟ برای نماز همسرمان در پیشگاه خدا تضرع کنیم، توسل به اهل بیت کنیم و برایش دعا کنیم. بدانیم که سرنوشت ما و نسل ما به هم گره خورده است.

۱۰- دلگرمش کنیم، تشویقش کنیم. فقط توبیخ نه، تشر و تهدید نه، بلکه محبت کنیم. با عشق بازی زن و شوهری این موضوع را به میدان خانواده بیاوریم.

۱۱- اگر مایوس شدیم، هرچه تلاش کردیم فایده نداشت، به نماز خود و بچه‌ها اهتمام بیشتری داشته باشیم.

۳۷- رسالت ما درباره نماز والدین

در مباحث خانواده، نماز پدر و مادرهای ما چه می‌شود؟ پدر و مادرهایی که رنج بسیار کشیدند و ما را تربیت کردند. بخشی از موفقیت‌هایی که ما داریم، حاصل زحمات آنهاست. این همه دعا در قرآن برای پدر و مادر

۱. تحف العقول.

۲. غاشیه، ۲۱.

۳. ذاریات، ۵۵.

حکمتی دارد. ممکن است پدر و مادر در جایی کوتاهی کرده باشند و از روی نافرمانی خدا هم نبوده و نمازهایی از آنها قضا شده و از دنیا رفته‌اند، وظیفه ما چیست؟

اسلام عزیز برای ما مسئولیت تعریف کرده است. برای نماز قضای پدر و مادر باید به مرجعی مراجعه کنید که از او تقلید می‌کنید. بعضی از مراجع می‌فرمایند: هم پدر، هم مادر، هم نماز، هم روزه و عبادات دیگر که از آنها قضا شده بر عهده پسر بزرگتر است. احکامی دارد باید مراجعه کنید.

ما مسئولیت داریم، رسالت داریم. پدر و مادرهای ما تمام هستی خود را برای رشد و سلامت ما گذاشتند. الآن نسبت به آنان ادای دین کنیم.

شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: نسبت به والدین خود که از دنیا رفته‌اند آیا مسئولیتی داریم؟ امام فرمود: چه چیز مانع شده که یکی از شما برای والدین خود نیکی نمی‌کند؟ آنگاه حضرت مصادیق نیکی را ذکر فرمودند؛ نمازی برای او بخواند، از طرف او صدقه بدهد، روزه‌ای برای او بگیرد و حجی برای او به جا آورد. اگر چنین کند، مثل همان ثوابی که برای پدر و مادر در پرونده‌شان نوشته می‌شود، یک نسخه هم برای فرزندی که نماز خوانده نوشته می‌شود. «مَا يَمْنَعُ الرَّجُلَ مِنْكُمْ أَنْ يَبْرَّ وَالِدَيْهِ حَيِّينَ وَمَيِّتَيْنِ يُصَلِّيَ عَنْهُمَا وَيَتَصَدَّقَ عَنْهُمَا وَيُحْجَّ عَنْهُمَا وَيُصُومَ عَنْهُمَا فَيَكُونَ الَّذِي صَنَعَ لَهُمَا وَلَهُ مِثْلُ ذَلِكَ فَيَرِيدهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِرَبِّهِ وَصَلَاتِهِ خَيْرًا كَثِيرًا»^۱.

فقهای ما می‌فرمایند: پسر بزرگتر موظف است نمازها و روزه‌های قضای پدر و مادر را خودش انجام بدهد، یا کسی را اجیر کند و پول بدهد که بخوانند.

در بعضی خانواده‌ها وقتی عزیزی را از دست می‌دهند، در همان روزهایی که داغدار هستند، فرزندان و نوه‌ها می‌نشینند تقسیم کار می‌کنند. یکی می‌گوید: من یکسال برایش نماز می‌خوانم. دیگری می‌گوید: من برایش سه روز روزه می‌گیرم.

آنهایی که از این دنیا به عالم برزخ سفر کرده‌اند، چشم انتظار دعا‌های ما هستند. حدیث داریم که عصرهای پنجشنبه و صبح‌های جمعه، اموات به خانه‌هایشان می‌آیند و با حسرت نگاه می‌کنند. آیا بازماندگانشان برایشان هدایایی، نماز و روزه‌ای، صدقه و انفاقی انجام می‌دهند؟ آنها دستشان کوتاه است. خیرش به خود ما نیز برمی‌گردد.^۱

مرحوم طبرسی در کتاب «مکارم الاخلاق» غیر از نماز قضای پدر و مادر، نمازی را بیان کرده که پاداش و ثواب بسیاری دارد و در بعضی مساجد شب‌های جمعه به صورت دسته‌جمعی آن نماز را می‌خوانند. این نماز، دو رکعت است؛ در رکعت اول بعد از سوره حمد، ده بار این آیه را بخواند: «رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ»^۲ و در رکعت دوم، بعد از حمد ده بار این آیه را بخواند: «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا».^۳ نماز که تمام شد، پس از سلام نماز، این آیه را ده بار بخواند: «رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا».

آری، ما نسبت به پدر و مادر خود گرچه از دنیا رفته باشند، مسئولیت و دین داریم.

۱. بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۵۶.

۲. ابراهیم، ۴۱.

۳. نوح، ۲۸.

۳۸- دعا برای نماز فرزندان

برای نماز کودکان، خوشبختانه کتاب‌های زیادی نوشته شده که به بیان روش‌ها و شیوه‌های دعوت بچه‌ها به نماز پرداخته است. یکی از راه و روشها این است که با دعا از خدا بخواهیم که نسل و ذریه‌ی ما تا روز قیامت اهل نماز باشند. چنانکه ابراهیم خلیل عَلَيْهِ السَّلَام برای نماز خود و نماز فرزندان دعا می‌کرد: «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي»^۱؛ پروردگارا تو کمک کن، مرا و ذریه و نسل و دودمانم را اهل نماز قرار بده. از خدا استمداد بطلبیم تا موانع برطرف شده و وسوسه‌ها و تردیدها برطرف شود. مرحوم طبرسی، در کتاب «مکارم الاخلاق» نمازی را پیشنهاد کرده بخوانیم برای اینکه بچه‌های هدایت یافته، اهل سعادت و اهل نماز داشته باشیم. این نماز چهار رکعت (دو تا دو رکعتی) است. در رکعت اول بعد از حمد ده بار این آیه را می‌خوانیم: «رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ»^۲، پروردگارا ما را تسلیم خود قرار بده و فرزندان ما را تسلیم خود قرار بده. پروردگارا شیوه‌ی عبادت را تو به ما یاد بده و رحمتت را بر ما برگردان، که تو بسیار توبه پذیر و مهربان هستی.

در رکعت دوم پس از حمد، را ده بار بخوانیم: «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ»؛ پروردگارا، خودم و فرزندانم و ذریه‌ام را از برپادارندگان نماز قرار بده و پروردگارا دعای ما را مستجاب بفرما. آیات ۴۰ و ۴۱ سوره ابراهیم در رکعت

۱. ابراهیم، ۴۰.

۲. بقره، ۱۲۸.

سوم بعد از سوره حمد ده بار این آیه را بخوانیم: «رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا»؛ پروردگارا اعضای خانواده ما را مدل زندگی پرهیزگاران و الگوی دیگران قرار بده و ما را امام و پیشوای متقین قرار ده. (این دعاها را قرآنی را حفظ کنیم و در بقیه نمازهای خود هم بخوانیم.)

در رکعت چهارم بعد از حمد ده بار این آیه را بخوانیم: «رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي»؛^۲ پروردگارا الهام کن به من که از نعمت‌هایی که به من دادی و نعمت‌هایی که به پدر و مادرم دادی، تشکر کنم. پروردگارا، کمک کن و توفیقم بده که عمل صالحی که تو بپسندی انجام بدهم، پروردگارا فرزندان مرا صالح قرار بده.

این نماز و دعاها برای نمازخوان شدن، سعادت‌مند شدن و هدایت بچه‌ها مفید است، تمرین کنیم این نماز را برای بچه‌هایمان و بچه‌های بچه‌هایمان و برای نسل‌های آینده تا روز قیامت بخوانیم. انشاءالله نیاید روزگاری که از نسل ما بی‌نمازی روی این کره خاک قدم بگذارد.

۱. فرقان، ۷۴.

۲. احقاف، ۱۵.

۳۹- پنج اصل در آموزش نماز به کودکان

بزرگان برای نماز کودکان و بچه‌های ما، اصولی را تعریف کرده‌اند. بعضی از آنها را برای شما عرض می‌کنم. اگر بشناسیم کودکان و فرزندان ما چه موجوداتی هستند، آنگونه که خدا به ما شناسانده، در کار خود موفق خواهیم بود.

اصل اول، اصل اختیار است. خداوند این بچه را مختار آفریده و ما نمی‌توانیم چیزی را مثل آمپول به او تزریق کنیم. نمی‌توانیم تحمیل کنیم، ما می‌توانیم توضیح بدهیم، مربی، معلم، روحانی و عالم کارشان این است که دانش و بینشی به مردم بدهند، ارزش‌هایی را بیان کنند، اختیار با خود مخاطب است و ما باید این را بفهمیم. با اجبار و الزام نتیجه نخواهیم گرفت.

اصل دوم، اصل تدریج است. خداوند این جهان را در شش روز آفرید. می‌توانست ناگهان بیافریند. میوه‌ها به تدریج می‌رسند، انسان به تدریج رشد می‌کند، مسائل شخصیتی هم آرام آرام شکل می‌گیرد. توقع نداشته باشیم از روز اول این بچه یک نماز کامل با مستحبات و آداب بخواند. از تدریج غافل نشویم. آرام آرام برنامه داشته باشیم به مرور، نماز بچه‌ها به کمال برسد.

اصل سوم، اعتدال است. تندروی نکنیم، افراط نکنیم، زیاده‌روی نکنیم. در جلسات طولانی، نمازهای طولانی، بردن بچه‌ها واکنش عکس خواهد داشت. بسیاری از انحرافات که در بچه‌ها وجود دارد، به خاطر افراط و زیاده‌روی پدر و مادرها مثلاً در مورد حجاب، نماز و احکام است.

اصل چهارم، تکرار و مداومت است. امیرمؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: «**قَلِيلٌ مَّدُومٌ عَلَيْهِ خَيْرٌ مِنْ كَثِيرٍ مَمْلُولٍ مِنْهُ**»^۱ کمی که ادامه دار باشد، از زیادی که ملال آور باشد، بهتر است. استمرار و ادامه دار بودن یک مسأله‌ای، آن را در وجود بچه‌ها نهادینه می‌کند. ما در ماه رمضان نماز و قرآن زیاد می‌خوانیم، ماه رمضان که تمام شد، همه را رها می‌کنیم. بعد از ماه رمضان هم باید آن نیایش‌ها را مقداری‌اش را ادامه بدهیم. ماه رمضان برای این است که تغییری در سبک زندگی ما ایجاد کند.

اصل پنجم، آسان‌گیری است. بارها پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: اسلام، دین آسان است. اسلام را با آسانی بیان کنید. قرآن می‌فرماید: «**يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ**» خدا برای شما آسانی می‌خواهد، «**وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ**»^۲. سختی و مشقت نمی‌خواهد.

این شعار استاد ما حاج آقای قرائتی قریب پنجاه سال است. اسلام دینی شیرین و آسان است، این را بچه‌ها باید لمس کنند و حس کنند. نمازشان، حجابشان، روزه‌شان، شیرین و آسان است.

هنگامی که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ کسانی را برای تبلیغ می‌فرستادند، می‌فرمودند: بر مردم آسان بگیرید. فرمودند: «**يَسِّرُوا وَلَا تُعَسِّرُوا**» آسان بگیرید، سخت نکنید کار را بر مردم. «**وَيَسِّرُوا**» به مردم مژده بدهید و نوید پاداش الهی را بدهید، «**وَلَا تُنْفِرُوا**»^۳ مردم را از احکام دین بیزار نکنید.

امیرمؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند: «**يَسِّرُوا**» آسان بگیرید بر مردم، «**وَلَا تُعَسِّرُوا**»

۱. نهج البلاغه، ص ۵۵۴.

۲. بقره، ۱۸۵.

۳. نهج الفصاحه، ص ۵۶۸، ح ۱۹۵۷.

مسائل دین را سخت نکنید. «وَحَقِّقُوا» تخفیف بدهید، «وَلَا تُثَقِّلُوا» سنگین نکنید.^۱

این اصول را رعایت کنیم، خدا هم مدد می‌کند و انشاءالله نسل نمازگزارى از ما به جا بماند.

۴۰- سفارش به نماز در آخرین ساعات

یک وقتی یک کتاب پنج جلدی تحت عنوان «آخرین گفتارها» به دستم رسید. که نویسنده آن آخرین گفتارهای جمعی از افراد سرشناس را در طول تاریخ گردآوری کرده بود. انسان‌ها وقتی می‌خواهند از این دنیا بروند، همه تجربیات خود را در قالب چند جمله خلاصه می‌کنند و به جا می‌گذارند، این جملات، طلائی و الهام‌بخش است. چه از افراد خوب و صالح باشند، مثل انبیا و اولیای خدا یا افراد بد و حتی تبه‌کار مثل ناپلئون یا هیتلر، اینها آخر عمرشان چه گفتند؟

انبیا، اولیا، صلحا و دانشمندان، وصیت‌نامه‌هایشان را بخوانیم. شهدای جنگ تحمیلی، وصیت‌نامه حضرت امام را بارها و بارها بخوانیم. در این جا می‌خواهم بگویم که یکی از مسئولیت‌های ما این است که وصیت‌نامه بنویسیم و از خود اثری مکتوب به یادگار بگذاریم و در وصیت‌نامه خود بازماندگان خود را به نماز و حجاب و ارزشها دعوت کنیم. مطمئن باشیم آن نوشته خواهد ماند. بچه‌هایمان، ما را دوست دارند. می‌گویند: پدرم گفته، پدر بزرگم گفته، مادر جون من گفته است. من به احترام روح او نمازم را می‌خوانم.

حدیث داریم آخرین توصیه‌های پیامبران، نماز بود. امام باقر علیه السلام فرمود: «**لَا تَتَهَاوَنَ بِصَلَاتِكَ**» نسبت به نمازت کاهلی نکن، چرا که پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی جان می‌داد فرمود: «**لَيْسَ مِنِّي مَنِ اسْتَحَفَّ بِصَلَاتِهِ**» از من نیست کسی که نماز را سبک بشمارد.^۱

ما هم بیاییم یک کار پیغمبری بکنیم، در وصیت‌نامه خود برای بچه‌ها غیر از اینکه اموال و املاک را تقسیم کنیم، در مورد نماز وصیت کنیم. امیرمؤمنان علی علیه السلام در بستر شهادت، وصیت‌نامه‌ای یک صفحه‌ای دارد. فرازهای وصیت‌نامه خود را با لحن ملتسانه با «**اللَّهُ اللَّهُ**» شروع کرده و می‌فرماید: شما را به خدا، شما را به خدا، ای حسن، ای حسین و ای تمام فرزندان من تا روز قیامت، که این وصیت‌نامه به دستتان می‌رسد: «**الصلاة الصلاة**» نماز، نماز. «**فَإِنَّهَا عَمُودُ دِينِكُمْ**» نماز ستون خیمه‌ی دین شماست. این ستون برداشته شود چیزی به نام دین نخواهد ماند. امیرالمؤمنین علیه السلام از فرصت آخرین ساعت عمر خود، برای نماز استفاده می‌کند.

ابوبصیر می‌گوید: مسافرت بودم، وارد مدینه شدم، دیدم شهر عزادار است. پرسیدم چه شده است؟ گفتند: امام صادق علیه السلام رحلت نموده‌اند. برای عرض تسلیت به منزل امام رفتیم. خواستم آن لحظات و ساعات آخر عمر امام را برای من توضیح بدهند، اینطور گفتند: امام کاظم علیه السلام فرمود: پدرم در آخرین ساعات عمر خود فرمودند: فامیل‌ها را جمع کنید. اعضای خانواده را جمع کنید. وقتی همه جمع شدند، فرمود: به خدا قسم، شفاعت من نمی‌رسد به کسی که نماز را سبک بشمارد. «**إِنَّهُ لَا يَنَالُ**

شَفَاعَتَنَا مَنِ اسْتَخَفَّ بِالصَّلَاةِ^۱

پیامبران، پیامبر اکرم و امامان معصوم، از فرصت آخرین لحظات عمر برای توصیه و سفارش به نماز استفاده می‌کردند، ما هم این کار را بکنیم. انشاء الله از نسل ما نمازگزارانی روی این کره‌ی خاک خدا را صدا بزنند و پاداشی به ما برسد. «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ»^۲.

«والحمد لله و صلى الله على محمد وآله الطاهرين»

۱. کافی، ج ۳، ص ۲۷۰.

۲. ابراهیم، ۴۰.

